



## ... خریده شده‌اید ... نه به چیزهای فانی مثل نقره و طلا، ... چون خون بره بی‌عیب و بی‌داغ یعنی خون مسیح. اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹



از اولین باری که از جواهرفروشی قطعه‌ای طلا خریدم حدود پانزده سال می‌گذرد. امروز که قیمت روز طلا را با آن زمان مقایسه کردم، شدیداً متعجب شدم. ارزش طلا نسبت آن زمان حدود هشتاد و پنج برابر شده است!! طلا واقعاً فلز ارزشمندی است. در زمان باستان نیز مردم برای معاملات خود از طلا و نقره استفاده می‌کردند و ارزش آن را به خوبی می‌دانستند. مثلاً اگر کسی قصد فروش زمین یا دام خود را داشت، ارزش آن را با مقداری طلا یا نقره بیان می‌کرد و در قبال فروش آن، طلا یا نقره طلب می‌کرد.

در این آیه، پطرس ارزشمندترین عنصری را که در آن زمان در دنیا وجود داشت، با خون یک بره بی‌عیب و بی‌داغ مقایسه می‌کند و با معرفی کردن مسیح به عنوان آن بره، ارزش خون این بره را بالاتر از طلا و نقره می‌داند. چرا پطرس چنین مقایسه‌ای می‌کند؟ ارزش این خون در چیست؟

قربانی کردن در عهد قدیم برای قوم اسرائیل، امری مهم و حیاتی به شمار می‌رفت. اگر به کتاب لایوان نگاه کنیم، انواع مختلف قربانی از قبیل قربانی سوختنی، جرم، گناه، صلح و... را مشاهده می‌کنیم. یهودیان در زمان‌هایی مشخص باید برای پرستش به حضور یهوه می‌رفتند و به عنوان اولین قدم حیوانی را که گاو، گوسفند و در برخی موارد کبوتر بود، برای قربانی شدن به کاهن می‌دادند. شرطی که این حیوانات برای قبول شدن در قربانگاه داشتند، بی‌عیب بودنشان بود. پس از اینکه حیوان قربانی می‌شد، با توجه به نوع قربانی، به صورت کامل و یا قسمت‌هایی از آن با آتش سوزانده می‌شد و مقداری از خون آن به عنوان نمونه به حضور خداوند برده می‌شد تا عمل گذراندن قربانی به انجام برسد.

پیش از آنکه شخص حیوان را به کاهن تسلیم کند، باید دست خود را بر روی سر حیوان می‌گذاشت تا آن حیوان به نیابت از او، کشته شود! چرا؟! به خاطر گناهکار بودنش. مراسم اهدای قربانی یکی از مهم‌ترین مناسک مذهبی یهودیان بود. هر یهودی موظف بود حداقل سالی یک‌بار و در عید فصح به اورشلیم برود و طبق فرمان شریعت برای خود و خانواده‌اش قربانی مخصوص آن عید را بگذراند. همچنین در روزی به نام روز کفار کاهن اعظم به نیابت از تمام قوم قربانی می‌گذراند و خون آن را به قدس‌الاقداس می‌برد و به حضور خدا تقدیم می‌کرد.

دلیل تمام این قلم‌فرسایی‌ها و اشاره به موضوع قربانی و کفاره و ... اشاره به این نکته است که «خون قربانی» برای یهودیان بسیار مهم بود و آنها ارزشش را به روشنی می‌دانستند. حتی خداوند به وضوح در شریعت به آنها گفته بود "... خون است که برای جان‌ها کفاره می‌کند" (لاو ۱۷: ۱۱). تمامی برکتی که قوم اسرائیل داشت، حضور خداوند در میان‌شان بود و یک یهودی مؤمن می‌دانست که ریخته شدن خون قربانی از چه اهمیتی برخوردار است.

عمل گذراندن قربانی عملی پایان‌ناپذیر بود و همیشه ادامه داشت تا زمانی که یک قربانی با تأثیری ابدی گذرانده شد! خونی ریخته شد که برای کفاره گناهان تأثیری ابدی داشت! یهود و غیریهود در عید فصح با هم این قربانی را در حضور خداوند ذبح کردند؛ نه در حیاط معبد یا خیمه بلکه بر کوه جلیتا و خوش را نه بر قربانگاه، بلکه بر صلیب ریختند؛ او را نه با چاقویی تیز و در یک لحظه بلکه در طول شش ساعت و با کوبیدن میخ بر دست و پایش قربانی کردند. همه انسان‌ها در کشته شدن او شریک هستند چون همه گناه‌کارند. به همین دلیل هم خون او هر کسی را که در حضور خدا به گناه‌کار بودنش اعتراف کند پاک می‌کند.

اگر تمامی معادن کشف شده و نشده طلا و نقره را داشته باشیم به چه دردمان می‌خورند؟ مدتی از آنها استفاده می‌کنیم و سپس همین جا رها کرده، می‌میریم. برای شخصی که عیسیای مسیح را به عنوان نجات دهنده شخصی خود نداشته باشد، مرگ اتمام همه چیز است ولی کسی که با قبول کردن خون مسیح، همان برّه بی‌عیب و بی‌داغ که تأثیری ابدی دارد، از همه گناهانش پاک شده است، مرگ ابتدای حیاتی ابدی در حضور خدای عشق است. بهای این قربانی از طرف خداوند پرداخت شده است! بهایی که هیچ چیزی نه فقط در این زمین، بلکه در کل کائنات توانایی پرداختش را نداشته و نخواهد داشت.

خون این برّه بی‌عیب، معجزه می‌کند؛ به شخص مرده حیات می‌بخشد و مسکین را به شاهزاده بدل می‌کند! تمام زحمتی که ما کشیدیم، قبول کردن این قربانی بوده است! این معامله به هیچ وجه منصفانه نیست چون طرف مقابلمان خدای عشق است! خدای فیض! خدای زندگی!

**پدر آسمانی! درک و شناخت تو فراتر از توانایی بشری است! برای شناساندن خودت به مردگانی متحرک که در جهل مرکب خود مرده بودند، از تو سپاسگزاریم. فیض، فیض، ... کمکمان کن تا هر روز زیر آبنبار فیض تو بایستیم و از آن لبریز شویم. آمین!**

